

زمینه‌های شکل‌گیری و فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی

از منظر مقام معظم رهبری

فاطمه حسینیانی^۱ و زهرا علیپورمقدم^۲
^۱ کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه شاهد تهران
^۲ سطح دو حوزه علمیه، جامعه الزهرا(س) قم

Email: f.hosaynaee@yahoo.com

چکیده

مکتب اسلام همواره به دنبال تشکیل حکومت اسلامی بوده تا زمینه ساز اجرای احکام الهی به طور کامل باشد. آغاز شکل‌گیری تمدن اسلامی را با ظهور اسلام باید هم زمان دانست. در سده‌های آغازین اسلامی، این تمدن همواره رو به رشد و شکوفایی داشت. اما برخی عوامل بیرونی و درونی، موجب کندی حرکت تمدن اسلامی شد. قرن اخیر - و به ویژه بروز انقلاب اسلامی ایران - را می‌توان نقطه‌ی خیزش جدیدی برای تمدن اسلامی به شمار آورد. رهبران انقلاب اسلامی همواره هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی را ایجاد یک تمدن نوین اسلامی بیان کردند. تحقق این فرآیند نیازمند نظام‌سازی فکری متقن می‌باشد. بر این اساس هدف این پژوهش تبیین نقشه راه و بیان زمینه‌های شکل‌گیری و فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی در نظام فکری مقام معظم رهبری با استفاده از روش توصیفی تحلیلی می‌باشد. از بررسی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در خصوص مفهوم تمدن اسلامی این نتیجه می‌رسیم که فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر رهبری مستلزم پیمودن مراحل زیر است: مرحله اول، "انقلاب اسلامی"، مرحله دوم "تشکیل نظام اسلامی"، مرحله سوم "تشکیل دولت اسلامی" مراحل چهارم و پنجم "تشکیل کشور اسلامی" و "تشکیل دنیای اسلامی" ذکر نموده اند که برای رسیدن به آنها، وظایف و انتظاراتی بر عهده‌ی مردم و کارگزاران نظام اسلامی می‌باشد. کلید واژه‌ها: تمدن نوین اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، کشور اسلامی، مقام معظم رهبری.

مقدمه

ظهور رسول خدا(ص) دستی غیبی برای پاسخگویی به نیاز جامعه جهانی در جهت تأمین معنویت و عدالت مبتنی بر وحی و شکل گیری مدنیت جدید اسلامی بود؛ مدنیتی که متکی بر کرامت انسان و رشد و تعالی امکانات دنیوی و مادی در خدمت امکانات و رشد معنوی انسان بود.

با ظهور اسلام، بشر خود را در برابر آموزه‌هایی دید که هویت و نسبتش را با خداوند، جهان هستی، انسانهای دیگر و نفس خویش به خوبی ترسیم کرده است. این تأثیر گذاری به حدی بود که بشر در برابر آن سر تسلیم فرود آورد و به این فرهنگ که از منابع اصیل اسلام(قرآن و سنت) سرچشمه می گرفت، گردن نهاد و از آنجا که آن را با عقل و فطرت سلیم خویش هماهنگ می دید، با رویی گشاده پذیرای آن شد. این فرهنگ یعنی فرهنگ اسلامی که از هستی شناسی خاص اسلام بر می خواست، پیروانش را به سوی ایجاد تمدنی بزرگ کشاند که بتواند حکایتگر چنین فرهنگ متعالی باشند.

تمدن اسلامی به صورت پویا وجود داشته و امروز هم این تمدن قابل تحقق است و اساساً آرمان مهدویت شیعی این امر را نمایندگی می کند. اما این مهم به سادگی به دست نمی آید و ما نمی توانیم منتظر بمانیم که دنیای غرب و تمدن مادی خود به خود رو به افول برود، چرا که احیای تمدن اسلامی فقط با افول تمدن غربی ممکن نیست و این احیا در زمینه مدنی و اجتماعی محتاج به انقلاب است. اینجاست که ما اندیشه امام (ره) و مقام معظم رهبری را می توانیم محملی بدانیم برای ارتباط میان تمدن گذشته و تمدن آینده به وسیله یک انقلاب بزرگ اسلامی و حضور نهضت‌های قدرتمند مرتبط با آن [۱]

روش پژوهش

هدف این مقاله بررسی زمینه‌های شکل گیری و فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری است. جهت تحقق هدف پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات هستیم که: ۱- معنای تمدن اسلامی و تفاوت آن با تمدن غیر دینی چیست؟ ۲- عوامل شکوفایی و افول تمدن اسلامی چه بوده است؟ ۳- مفهوم و زمینه‌های شکل گیری تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری چیست؟ ۴- فرآیند شکل گیری تمدن نوین اسلامی از نظر مقام معظم رهبری چیست؟ با توجه به اینکه منابع موجود برای شناسایی دیدگاهها و نظرات مقام معظم رهبری در این خصوص بیشتر سخنرانی‌های ایشان بوده است بنابراین بعد از بررسی مفهوم تمدن اسلامی به طور کلی، برای شناسایی دیدگاههای ایشان در مورد موضوع تمدن اسلامی در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به بررسی زمینه‌ها و فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری پرداخته است. جامعه متنی پژوهش شامل کلیه سخنرانی‌ها و مکتوبات ایشان در حوزه ی مورد مطالعه بوده است که از طریق بررسی کتابخانه‌ای و همچنین مراجعه به سایت دیدگاههای ایشان توصیف و تحلیل شده است.

یافته‌های پژوهش

تعریف تمدن

تمدن هم با توجه به عناصر عینی مشترک همچون زبان، فرهنگ، تاریخ، مذهب، سنت‌ها و نهادها و هم با در نظر گرفتن

وابستگی‌ها و قرابت‌های ذهنی و درونی انسان‌ها تعریف می‌شود. تمدن‌ها پدیده‌هایی پویا هستند؛ آنگونه که ظهور و افول می‌کنند، انشعاب می‌یابند و در هم ادغام می‌شوند [۲]

به عقیده‌ی جامعه‌شناسان، تمدن حالتی مترقی است که ملت‌ها در پرتو آن تحت تأثیر تحولات جدید و مترقی قرار می‌گیرند یعنی تمدن نهایت ترقی ملت‌هاست به سوی وصول به مقام بلند علمی و فنی. [۳]

همچنین می‌توان گفت که تمدن عبارت است از مجموعه‌ی اندوخته‌ها و ساخته‌های مادی و معنوی بشر در طول تاریخ که زمینه‌ی مساعدی برای شکوفا شدن آزادانه‌ی هر استعدادی است. [۴]

با دقت در تعاریف متعددی که از تمدن بیان شده است روشن می‌شود که هر کس با رویکردی خاص این واژه را تعریف کرده است؛ ولی به طور خلاصه همه‌ی آنها حکایتگر این حقیقت است که "تمدن" مجموعه‌ی دستاوردهای مادی و معنوی بشر است. [۵]

تفاوت تمدن غیر دینی با تمدن دینی

وجه تمایز تمدن دینی با تمدن غیر دینی در جهان بینی حاکم بر آنهاست. بنیان تمدن غیر دینی بر اساس محدود دیدن زندگی انسان و نیازهای او تا پیش از مرگ و در نتیجه فراهم کردن شرایطی است که انسان در این محدوده بهره‌مند از رفاه شود در این نگاه انسان موجود بی‌مبدأ و بی‌معاد است. اما در تمدن دینی انسان در هر دو بعد حیوانی و خلیفه‌اللهی تعریف می‌شود و بر همین مبنا دغدغه‌آباد کردن هر دو بعد او را دارد و با اصالت دادن به جهان پس از مرگ، آبادی دنیوی او را به عنوان زمینه و مقدمه‌ی حیات اخروی مورد توجه قرار می‌دهد. [۶]

چیستی تمدن اسلامی

منشأ بیشتر تمدن‌ها تعالیم انبیای الهی است که انسان‌ها را در جهت اتحاد و همگرایی و اندیشه ورزی دعوت کرده‌اند. مسیحیت و اسلام دو دینی هستند که در پرتو آنها تمدنهای درخشانی پدید آمد و چهره‌ی تمدن بشری پس از ظهور آنها دگرگون شد.

هر فرهنگ نوپدیدی نیازمند زمان است تا در جهان گسترش یابد و فرهنگ و تمدن‌های دیگر را تحت تأثیر قرار دهد. حضرت رسول (ص) که پایه‌گذار فرهنگ تمدن اسلامی بود با کتاب آسمانی خویش قرآن و قول و سیره‌ی خود منبعی اصیل برای این فرهنگ به یادگار گذاشت. دین اسلام، پس از ظهور و گسترش نه تنها در زمینه‌ی فرهنگی موجب تحول عظیمی شد بلکه از نظر تمدن نیز منشأ الهام و خلاقیت‌های بسیاری گردید.

دو تعریف اساسی از تمدن و مدنیت اسلامی وجود دارد: یکی تعریفی است که تحت تأثیر تفکر اومانیستی استعدادهای انسان را در جهت تکامل ابزار تولید و تکامل عقل ابزاری و دستاوردهای آن می‌بیند. در این تعریف جوامعی که در بعد مادی و ابزار سازی انسان را در حد تکاملی تجهیز کرده‌اند، متمدن نامیده شده‌اند. تعریف دیگر که کمتر مورد توجه است، مدنیت انسانی را ناظر بر روابط انسانی، اخلاقی و معنوی در جامعه می‌داند. از همین منظر و با همین محک میزان اوج یا افول بودن یا نبودن تمدن

در یک جامعه را ارزیابی می‌کند و البته به وجود روابط انسانی، دینی، معنوی به عنوان تنها شاخص اکتفا نمی‌کند بلکه رشد دستاوردهای مادی را در پی دستاوردهای معنوی نیز مورد توجه قرار میدهد [۷]

عوامل پیدایش و شکوفایی تمدن اسلامی

به شهادت تاریخ، مسلمانان در پرتو ایمان و اصول عالی اخلاقی از همان آغاز در زمینه ی فرهنگ، تمدن، علم، سیاست و اقتصاد در طی چند قرن در اوج عظمت و اقتدار ایستادند. عوامل پیدایش و شکوفایی تمدن اسلامی را در دو عامل داخلی و خارجی می‌توان رهیابی کرد. از عوامل داخلی می‌توان به محتوا، سادگی، جامعیت، جاودانگی و فطری بودن آموزه‌های دینی و سیره ی عملی مؤمنان که بر پایه ی ایمان بود اشاره کرد. همچنین عوامل خارجی نیز در دوبره قابل رهیابی است یک بعد نقاط ضعف و سستی فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر است که در برابر نقاط قوت فرهنگ و تمدن اسلامی تاب نیاورد و تسلیم شد و بعد دیگر نقاط مثبت فرهنگ و تمدن‌های دیگر بود که تمدن اسلامی با جذب و هضم آنها در خود و با ایجاد دگرگونی مادی و صوری در آنها توانست فرهنگ و تمدن اسلامی را فراتر از سرزمین‌های جزیره العرب گسترش دهد. [۸]

مسلمانان که به برکت فرهنگ آسمانی اسلام و با استفاده از معارف الهی قرآن کریم از نظر فکری به حد بالایی از کمال رسیده بودند، تشنه ی کسب اطلاع از معارف و اندیشه‌های متفاوت ملل و تمدن‌های دیگر جهان بودند. منبع اصلی این اشتیاق، آیات قران و احادیث بسیاری بود که مؤمنان را به کسب علم و فن ترغیب می‌کرد از این رو نخستین گامی که برای کسب مهارت و دانش در زمینه‌های مذکور ضروری می‌نمود ترجمه آثار تمدن‌هایی بود که در آن عصر از بالاترین پیشرفت‌های علمی و فکری برخوردار بودند دوره‌ای که از آن به عنوان «عصر نهضت ترجمه» یاد می‌کنند. [۹]

وجود دانشمندان بی‌شمار حتی در منصب وزارت مانند بوعلی سینا و خوارزمی، ظهور دایره المعارف‌ها، دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های بسیار بزرگ در کنار مسجدها، وجود فقیهان، متکلمان، فیلسوفان، ادیبان و شاعران بزرگ همچون شیخ مفید، سید رضی، سید مرتضی، شیخ طوسی، فارابی و نمونه‌های بسیار دیگر و همچنین تألیف کتاب‌های بسیار در موضوعات متعدد علمی شاهدهی گویا بر شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی در آن دوران می‌باشد.

علل رکود تمدن اسلامی

تمدن اسلامی با وجود محاسن و پتانسیل‌های بسیار قوی جهت پیشبرد اهداف عالی اسلامی همواره در معرض خطر و کید و مکر معاندان و دشمنان اسلام بوده است. واقعیت تلخی که از شش قرن پیش تاکنون تمدن اسلامی با آن رو به رو بوده، این است که مسلمانان با وجود همه تعالی‌ها به تدریج رو به ضعف نهادند و بدین سان کشور پهناور اسلامی مورد تجاوز بیگانگان قرار گرفت و با تجزیه آن، عزت و اقتدار مسلمین از میان رفت و جامعه اسلامی به انحطاط گرایید.

برای رکود و انحطاط تمدن اسلامی علل متعددی بیان کرده اند که می‌توان به طور کلی آنها را به دو گروه علل بیرونی و درونی تقسیم کرد. از جمله عوامل بیرونی که موجب رکود تمدن اسلامی شدند؛ تهاجم دشمنان خارجی و بروز جنگ‌های صلیبی، حمله مغولان و پیامدهای آن، سقوط اندلس که یکی از وقایع تلخ در سیر تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی و زوال حکومت

مسلمانان در این ناحیه از دنیا بوده است.

استعمار نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در رکود فرهنگ و تمدن اسلامی است. بی شک استعمارگران همواره در صدد دست اندازی به سرزمین‌های اسلامی بوده اند تا به هر طریق عظمت اسلام را متزلزل سازند. استعمارگران برای نفوذ در سرزمین‌های اسلامی و تحقق اهداف خود به فعالیتهایی نظیر سست کردن باورهای مسلمانان، ترویج فساد در میان مسلمانان، تخریب شخصیت‌های اصیل اسلامی، برقراری روابط آزاد اقتصادی برای زدودن استقلال از کشورهای اسلامی دست زدند... [۱۰]

انحطاط و رکود تمدن اسلامی عوامل درونی متعددی نیز دارد که از آن جمله می‌توان به انحراف فکری و عملی مسلمانان از تعالیم اسلام، استبداد و خودکامگی حکومت‌ها در جهان اسلام، دنیا‌گرایی و انحطاط اخلاقی، فرقه‌گرایی که پس از رحلت رسول خدا (ص) امت اسلام چه از نظر سیاسی و چه از لحاظ فکری و عقیدتی به فرقه‌های گوناگون تقسیم شدند، اشاره کرد. همچنین تحجرگرایی به معنای ایستایی و تحول‌ناپذیری در حوزه اندیشه و تفکر به عنوان عاملی بازدارنده در شکوفایی اندیشه دینی و رکود تمدن اسلامی به حساب می‌آید. [۱۱]

امام خمینی (ره) احیاگر مجدد تمدن اسلامی

امام خمینی (ره)، فرهنگ و تمدن بزرگ اسلامی را که در سده‌های اولیه‌ی حیات اسلام جریان داشت به عنوان الگوی مطلوبی می‌نگرد که در آن به ابعاد مختلف زندگی بشر و رشد مادی و علمی و تعالی معنوی و زندگی اخروی توجه شده است. به نظر ایشان تمدن اسلامی به دلیل توجه به مسائل علمی، دینی و اخلاقی نسبت به سایر تمدن‌هایی که در گذشته ظهور کرده‌اند و یا در دوران معاصر وجود دارند کامل‌تر و غنی‌تر است و هیچ تمدنی نه در گذشته و نه حال نتوانسته به جامعیت تمدن اسلامی دست پیدا کند. [۱۲]

به اعتقاد امام خمینی (ره) تمدن اسلامی با حکومت اسلامی ایجاد می‌گردد و حکومت اسلامی نیز با عزم راسخ امت مسلمان به ویژه جوانان شکل می‌گیرد. در واقع، دو فضا برای تحرک جوانان در چنین موردی تعریف شده است: ۱. فضایی که پیش از ایجاد حکومت اسلامی در راه به وجود آوردن آن تعریف می‌شود و بیشترین جنبه‌ی فرهنگی و بیداری و تحرک و تقابل با استعمار را دارد. ۲. فضایی که پس از ایجاد حکومت اسلامی در مقابل جوانان قرار گرفته و روند شکل‌گیری تمدن اسلامی را رقم می‌زند. [۱۳]

ایشان تمدن اسلامی را به پیشرفت‌های علمی محدود نمی‌کنند، بلکه تمدن اسلامی را دارای روحی سرشار از ایمان می‌دانند که در تمامی ارکان آن جریان دارد و آن را از سایر تمدن‌های بشری متمایز می‌کند.

شیوه‌ی حضرت امام خمینی (ره) در احیای اندیشه‌ی اسلامی، انعکاس همان شیوه‌ی رفتاری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در صدر اسلام و ادامه‌ی گسترش اندیشه‌ی اسلامی، سیره‌ی محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) را سرلوحه‌ی کار خود قرار دادند و در نتیجه به تعلیمات اسلامی بی‌تحرک، روح و جان تازه‌ای بخشید، امت مسلمان بدون توجه به اختلاف میان گروه‌ها و فرقه‌ها، اندیشه‌های امام خمینی (ره) را پذیرفتند. و بدین ترتیب یکی از بارزترین و پرخروش‌ترین جنبش‌های اسلامی (انقلاب اسلامی) در جهان به وجود آمد.

امام خمینی (ره) به عنوان احیاگر اسلام ناب محمدی در عصر حاضر، در پرتو قیام الهی اش، دین را در ابعاد مختلف «احیاء» و اندیشه‌ی متفکران اسلامی را در زمینه‌های گوناگون، اصلاح کرد و احیاء اندیشه و تمدن اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی دانست. بازیابی هویت انسان‌ها در ایران و جهان به ویژه جهان اسلام با تمسک به دین نقش بزرگی در بازشناسی تمدن بزرگ اسلام و ایران برای جهانیان داشت و آن چه که نقش اصلی را در شکل بخشیدن و ایجاد انسجام در میان نیروهای انقلابی در ایران فراهم ساخت همانا اصولی بود که امام خمینی بر پایه‌ی آن انقلاب اسلامی را هدایت و رهبری نمود. [۱۴]

تمدن اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

دو بخش اصلی تمدن اسلامی

با بررسی دیدگاهها و سخنان مقام معظم رهبری در خصوص موضوع تمدن اسلامی، به درستی روشن می‌شود که ایشان هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی را، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی می‌دانند و از دیدگاه ایشان تمدن اسلامی مرکب از دو بخش است یک بخش ابزاری و دیگری بخش متنی و اصلی و اساسی است.

«بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است.»

اما بخش حقیقی و اصلی از نگاه مقام معظم رهبری سبک زندگی است همان چیزهایی که متن زندگی ما را تشکیل میدهد. مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزندان، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مأمور، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.

مقام معظم رهبری سبک زندگی را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب می‌آورند؛ و آن بخش اول را یعنی بخش ابزاری را بخشهای سخت‌افزاری تمدن محسوب می‌کنند. ایشان معتقدند که پیشرفت در بخش سخت‌افزاری تمدن یعنی همان ابزار به تنهایی و بدون پیشرفت در سبک زندگی نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد. [۱۵]

لوازم تحقق و زمینه‌های شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

ایمان و ایدئولوژی

با بررسی دیدگاههای مقام معظم رهبری روشن می‌شود که ایشان داشتن ایدئولوژی و ایمان را لازمه‌ی ایجاد و رشد یک تمدن بزرگ اسلامی می‌دانند و بیان می‌دارند که «هیچ ملتی که داعیه‌ی تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمی‌تواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمیتواند تمدن‌سازی

کند.» همه ی تمدنهای مادی مانند کمونیسم و کاپیتالیسم نیز که در دنیا به وجود آمده اند همواره با یک ایدئولوژی وارد شدند و بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان، و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد.

«پس در درجه‌ی اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدان به اسلام، پیدا کرده‌ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است. در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی، همه‌ی آنچه را که مورد نیاز ماست، میتوانیم پیدا کنیم؛ باید اینها را محور بحث و تحقیق خودمان قرار دهیم. ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده‌ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم یک کار پر حجم و با کیفیتی انجام دهیم. این مطلب اول و نکته‌ی اول در باب تمدن‌سازی نوین اسلامی و به دست آوردن و رسیدن به این بخش اساسی از تمدن است، که سلوک عملی است. [۱۶]

عدم تقلید از تمدن غرب

«نکته‌ی دومی در اینجا وجود دارد و آن این است که ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، بشدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روشهای زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملتها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگوئی و تحمیل، تمدن غربی است. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه‌ی اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سالهای متمادی، یک چیزهایی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم. اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی، رفتار اجتماعی، اخلاق عمومی و فرهنگ زندگی است. باید در این بخش تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی‌اش هستیم و انقلاب اسلامی میخواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آنهاست؛ و یکی از حدود و ثغور این کار، مواجهه‌ی با تمدن غرب است، به صورتی که تقلید از آن انجام نگیرد. [۱۷]

سبک زندگی اسلامی

حضرت آیت الله خامنه‌ای، با اشاره به توجه عمیق اسلام به مفهوم سبک و فرهنگ زندگی بیان می‌کنند: «در معارف اسلامی، اصطلاح عقل معاش در مفهوم جامع خود، مترادف مفهوم سبک و فرهنگ زندگی است و در قرآن کریم نیز آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد.»

رهبر انقلاب اسلامی، در تشریح مفهوم سبک و فرهنگ زندگی، مسائلی نظیر خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیطهای مختلف را مطرح می‌کنند؛ در واقع سبک زندگی به همه مسائلی بر می‌گردد که متن زندگی انسان را شکل می‌دهند.

ایشان معتقدند که اسلام، «خرد ورزی، اخلاق و حقوق» را مایه‌های اصلی فرهنگ صحیح می‌داند و ما نیز باید بطور جدی به این مقولات بپردازیم و گرنه پیشرفت اسلامی و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت.» در ترسیم چگونگی شکل‌گیری سبک و شیوه زندگی نیز تأکید می‌کنند که فرهنگ زندگی در جامعه متأثر از تفسیر افراد از زندگی است و هر هدفی را در زندگی تعیین می‌کنند سبک و شیوه‌ی زندگی آنها را مشخص می‌کند. ایشان، تحقق هدف اصلی تعیین شده در هر «مکتب و نظریه

سیاسی، اجتماعی، اقتصادی» را نیازمند اعتقاد و ایمان به آن هدف می‌دانند و معتقدند که بدون اعتقاد جدی و تلاش هیچ هدفی محقق نمی‌شود. [۱۸]

ایشان معتقدند اگر گفتمانی در زمینه آسیب‌شناسی و چاره‌جویی مشکلات موجود در سبک و فرهنگ زندگی بوجود آید، با توجه به نشاط و استعداد جوانان، حتماً درخشندگی ملت ایران در این زمینه نیز، چشم‌جهانیان را متوجه خود خواهد کرد و تغییر و اصلاح سبک زندگی مردم به سبک زندگی اسلامی زمینه‌ی مهمی در فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی در جهان به حساب می‌آید.

لوازم اعتلای تمدن اسلامی

اعتلای تمدن اسلامی در عقیده و عمل لوازمی دارد که موارد زیر را می‌توان از جمله آنها شمرد :

توجه به خدا و معنویت

«این اقبالی که دل‌های شما به سوی خدا و معنویت و ذکر و خشوع و توجه و تضرع دارد، خیلی با ارزش است. این، همان عامل است که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها - لااقل در چند قرن از قرون اولیه - دنیا را اداره کرد و امروز هم دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی شد، والا با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی، چنین تمدن ماندگاری به وجود نمی‌آید». [۱۹]

وحدت مردم و مسؤولان

«اگر ملت ایران، همچنان که بحمدالله تاکنون بوده است و بعد از این هم به فضل الهی همینگونه خواهد بود، وحدت ارزشمند و آگاهی و هوشیاری و پیوند و رابطه‌ی مستحکم خودش با مسؤولان را حفظ کند و به فضل پروردگار، همواره در سطوح بالای این نظام، مسؤولان شایسته‌ای به خدمت مشغول باشند، نظام مقدس جمهوری اسلامی، این امکان را پیدا خواهد کرد که پایه‌های «تمدن اسلامی» را در این کشور بلکه در همه‌ی کشورهای اسلامی و جوامع اسلامی، مستحکم کند». [۲۰]

ایستادگی و مقاومت

«جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گرانقدری است. با همین جوهر است که ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک‌های معنوی غیبی و با ادعیه‌ی زاکیه و هدایت‌های معنوی ولی‌الله الاعظم خواهد توانست «تمدن اسلامی» را بار دیگر در عالم سر بلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را بر افراشته نماید» [۲۱]

همراهی دانش و معنویت

«ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کند، این را هدف گرفته ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم». [۲۲]

معرفت، جدیت و همکاری

«نیار به معرفت و جدیت و همکاری برای نیل به حیات طیبه ی تمدن اسلامی... مشهود و مورد قبول همگان است.» [۲۳]

اعتماد به خدا و احکام الهی

«این چه عاملی بود که توانست اینطور اقتدار اسلامی را پیش ببرد و بعد هم «تمدن اسلامی» را پایه گذاری کند که این تمدن اسلامی، حتی در دوران انحطاط قدرت سیاسی اسلام هم در اوج تألؤ و اقتدار باقی ماند؛ فرهنگ دنیا را تحت تأثیر قرار داد؛ علم را گسترش داد و فرهنگ اسلامی را رایج کرد؛ یقیناً یکی از عناصری که عامل پیشرفت اسلام بود، اعتماد به خدا و احکام الهی بود: «امن الرسول بما انزل الیه من ربه و المؤمنون کل امن بالله و ملائکته و کتبه و رسله» خود پیامبر و مؤمنان صدر اسلام، از اعماق دل به پیام اسلام معتقد بودند و شعارهای اسلامی، حقایق اسلامی و کافی بودن اسلام را برای نجات بشریت، حقیقتاً از بن دندان قبول داشتند. این ایمان عامل بسیار مهمی است.» [۲۴]

هدف قرار ندادن منافع مادی (بی رغبتی به دنیا)

«یک عامل دیگر، لااقل در رأس این حرکت این بود که به خود - آنچه به شخص و به بهره مندی های مادی برای خود انسان بر می گردد - بی اعتنا بودند. این عامل بسیار مهمی است. این همه که ما در روایات، در نهج البلاغه، در کلمات نبی اکرم و ائمه (علیهم السلام) و بزرگان درباره ی بی رغبتی به دنیا و به اعتنایی به زخارف دنیا برای شخص خود تأکید و توصیه داریم. به خاطر تأثیر عظیم این عامل است. البته دشمنان اسلام و مسلمانان کج فهم، گمان کردند یا وانمود کردند در اسلام گفته شده است زهد؛ یعنی دنبال دنیا به معنای مظاهر عالم وجود و مظاهر زندگی نروید در حالی که مسأله این نبود بلکه دنیای بد و دنیای مذموم و اینکه من و شما، خود و منافع مادی خودمان را هدف قرار دهیم و دنبال آن باشیم، مورد نظر بود. این آن چیزی است که بیچاره کننده و ویران کننده و اساس بدبختی هاست.» [۲۵]

اعتلای اقتصادی

«گرچه اسلام و نهضت حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعلاای اسلام عبارت است از ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی، لکن بدون شک پیشرفت علم و پیشرفت و اعتلای اقتصادی جزو هدفهای اسلامی است؛ لذا شماملاحظه کنید که در تمدن اسلامی، اسلام در یکی از فقیرترین و عقب مانده ترین نقاط دنیا ظهور کرد؛ اما هنوز پنجاه سال از عمر آن نگذشته بود که بیش از پنجاه درصد از دنیای متمدن آن روز در زیر پرچم اسلام قرار گرفت و هنوز بیش از دو قرن از عمر این تمدن نگذشته بود که دنیای بزرگ اسلامی در آن روز، قله ی تمدن بشری از لحاظ علم و انواع دانش و پیشرفتهای مدنی و اقتصادی شد؛ این نبود مگر به برکت تعالیم اسلام. اسلام به ما نمی گوید که معنویت را ملاحظه کنیم اما از متن زندگی جامعه ی انسانی غافل بمانیم. ما باید برای استقلال امت اسلامی و برای عزت آن، همه ی تدابیر لازم را به کار ببریم که یکی از مهمترین آنها، مسأله ی اقتصاد است بنابراین، تلاش برای رشد و توسعه و اعتلای جنبه ی اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بی شک جزو هدفهای اسلامی است.» [۲۶]

تلاش علمی

« تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که از روز اول در اسلام شروع شد، به وجود آمد. هنوز دو قرن بطور کامل از طلوع اسلام نگذشته بود که حرکت علمی جهش وار اسلامی به وجود آمد.» [۲۷]

تقوای فردی و جمعی

(دولت اسلامی است که کشور اسلامی به وجود می آورد. وقتی کشور اسلامی پدید آمد تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. اینها همه اش با مراقبت و تقوا عملی است؛ تقوای فردی و تقوای جماعت و امت.) [۲۸]

تعامل صحیح با مکاتب و تمدنهای دیگر

«فرهنگ اسلامی و تمدن اسلامی همواره در مصاف با معضلات جدید و نیز در چالش با مکاتب و تمدنهای دیگر، شکفته است.» [۲۹]

فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری

با بررسی و مطالعه دیدگاه‌های مقام معظم رهبری میتوان دریافت فرآیند تحقق هدفهای اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشوار است. ایشان به دفعات و در موقعیت‌های مختلف ضمن تأکید بر اینکه هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است بر این باورند که تحقق این تمدن اسلامی نیازمند عبور از یک زنجیره‌ی منطقی است. «حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است.» [۳۰]

ایشان در جای دیگر ضمن تأکید بر گذر از مراحل فوق در تحقق تمدن نوین اسلامی؛ به تبیین این مراحل پرداخته و معتقدند «قدم اول که پُر هیجانتر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. قدم بعدی، ترتب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی، که گفتیم نظام اسلامی، یعنی هندسه‌ی عمومی جامعه، اسلامی بشود؛ که این هم شد. قدم بعدی - که از اینها دشوارتر است - ایجاد دولت اسلامی است بعد از این مرحله، مرحله‌ی تالُل و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله‌ی ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمانهای عالم، الگو و اسوه میشویم: «لتكونوا شهداء على الناس» آن وقت مرحله‌ی بعدی، ایجاد دنیای اسلام است. فرآیند تحقق تمدن اسلامی، همین طور قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک میشود.» [۳۱]

با توجه به تأکید فراوان مقام معظم رهبری در بیانات متعدد ایشان می‌توان چنین نتیجه گرفت که مسیر تحقق تمدن اسلامی از منظر ایشان مسیری روشن و گام به گام است که هر مرحله از آن مقدمه‌ی تحقق مرحله‌ی بعدی می‌باشد.

مرحله اول انقلاب اسلامی

از منظر مقام معظم رهبری اولین گام در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی ایجاد یک انقلاب حقیقی و به معنای واقعی کلمه اسلامی می‌باشد که نتیجه‌ی شناخت مردم یک جامعه از شرایط زمانشان و عدم تحمل آن شرایط است.

بنا بر پیش‌بینی اسلامی، حرکت‌ها و تحولات اجتماعی با آگاهی‌ها و ایمان تضمین می‌شود. آنچه که انسانها را وارد میدان مبارزه می‌کند و تحولات تاریخی را به وجود می‌آورد و نظامهایی را به نظامهای دیگری بدل می‌کند، خشم کور طبقاتی نیست؛ مبارزه آگاهانه و روشن بینانه‌ای است که با معرفت صحیح و با ایمان کامل در میان انسانها به وجود می‌آید. [۳۲]

«منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه‌ی اول است - حرکت انقلابی است؛ و آلاً به یک معنا انقلاب شامل همه‌ی این مراحل میشود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون میکند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده میکند.» [۳۳]

انقلاب اسلامی دارای مشخصه‌ها و خصوصیات است که نه تنها در باورهای عمیق اسلامی ریشه دارد، بلکه پتانسیل آن را نیز دارد که به مثابه‌ی ریشه‌ها و پیامدهای تمدن اسلامی محسوب شود از منظر ایشان این مشخصه‌ها عبارتند از: «اسلام محوری، استقلال سیاسی، مردم سالاری، خود باوری علمی و اعتماد به نفس ملی، عظمت یافتن ایران در جهان، مبارزه با تهاجم فرهنگی وقتی در یک کشور این پایه‌ها گذاشته شد، آنگاه این ملت می‌تواند امیدوار باشد که بر روی این پایه‌ها بنای یک تمدن عظیم و جدید را می‌تواند پایه‌گذاری کند.»

«مهمترین این خصوصیات همین ثبات و استقامت و ایستادگی است. اگر این شد انقلاب برای دیگران الگو واقع خواهد شد؛ والا برقهایی که یک جا بزند و خاموش بشود خیلی نمی‌تواند الگو سازی کند. انقلاب ما اینطور بوده است. انقلاب ما توانسته است الهام بخش باشد، الگو ساز باشد؛ و این بر اثر ثبات و استقامت و ایستادگی بر اصول و پایه‌های اصلی است. که این انقلاب به وسیله‌ی امام اعلام کرد.» [۳۴]

یکی دیگر از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران که مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند «اسلامی بودن» می‌باشد.

«پیش از انقلاب، نظام حاکم بر کشور، یک نظام اسلام ستیز عمقی بود. آنها با ظواهر خیلی کاری نداشتند اما از لحاظ عمق، حقیقتاً دنبال زدن ریشه‌های ایمان اسلامی مردم بودند... انقلاب آمد نقطه مقابل آنها، اسلام را محور اداره‌ی کشور قرار داد؛ محور مدیریت قرار داد؛ احکام و قوانین اسلامی، معیار و ملاک رد و قبول قوانین کشور و معیار عمل مجریان کشور است.» [۳۵]

ایشان همچنین بیان می‌کنند که: «ما یک دید خاصی در تحلیل و تفسیر انقلابمان داریم؛ این تفسیر فقط مخصوص انقلاب ما نیست تفسیر همه‌ی انقلاب‌های مردمی و به خصوص انقلاب‌های اسلامی است. ما دید جامعه‌شناسی مادی را از انقلاب‌ها منسوخ می‌دانیم. تفسیر انقلاب، یک تفسیر اسلامی و الهی است. ما انقلاب را یک تحول اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی می‌دانیم که به دنبال آن تحول اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و آنگاه رشد همه جانبه ابعاد انسان می‌آید.» [۳۶]

مرحله دوم نظام اسلامی

مرحله‌ی بعد در تحقق تمدن اسلامی ایجاد نظام اسلامی است مه مقام معظم رهبری تحقق آن را به دنبال تمدن اسلامی

ضروری دانسته و تفاوت اساسی انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌های ناکام جهان را در همین اصل نظام اسلامی می‌دانند. از منظر ایشان یک انقلاب زمانی به هدف حقیقی خود می‌رسد که بر مبنای اصولی متعالی باشد. ایشان در تبیین این مسأله می‌فرمایند:

«حلقه‌ی بعد، نظام اسلامی است. منظور من در اینجا از نظام اسلامی، یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی دارد، که کشور، ملت و صاحبان انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب میکنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند: جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم‌سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزشهای اسلامی همراه است. ما از این حلقه هم عبور کردیم.» [۳۷]

«نظام اسلامی پس از انقلاب اسلامی تشکیل شد. شورش انقلابی و نهضت انقلابی می‌توانست انجام بگیرد، اما نظام غیراسلامی تشکیل شود. خیلی جاها این طور شده؛ در الجزایر همین طور بود. اما بعد از آن که نهضت به نتیجه رسید، کسانی که اعتقادی به مبانی تفکر اسلامی نداشتند، آمدند قدرت را در دست گرفتند. این جا هم همین کارها داشت می‌شد. داشتند حرکت می‌کردند که به اصطلاح خودشان یک جنبش کارگری و یک حرکت کارگری را بر این حرکت عمومی تغلیب کنند و همان فرمولی که در روی کار آمدن نظامهای سوسیالیستی در دنیا معمول است - یعنی انقلاب طبقه‌ی کارگر - تحقق بدهند و بعد هم یک چند نفر سر کار بیایند؛ منتها امام را محاسبه نکرده بودند؛ لذا سخت ضربه خوردند. ولی نظام اسلامی تشکیل شد.» [۳۸]

مقام معظم رهبری وجود نظام اسلامی را ضروری دانسته و آن را معیار اجرا و رکن تصمیم‌گیری کشور می‌دانند و معتقدند نظام اسلامی علاوه بر شکل، که همان ارکان حکومت و قانون اساسی است محتوایی نیز دارد که به معنای اسلامی شدن متن زندگی مردم می‌باشد.

نظام اسلامی یعنی اینکه معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم‌گیری در کشور معلوم شد چیست؛ ارکان حکومت - قوه‌ی مجریه، قوه‌ی مقننه، رهبری، قوه‌ی قضاییه و دیگر ارکان - چیده شد و قانون اساسی آمد همه‌ی اینها را تثبیت کرد؛ لذا پایه‌گذاری‌های اصولی انجام گرفت. این نظام اسلامی فقط شکل نیست؛ محتوایی دارد؛ یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد. [۳۹]

حضرت آیت الله خامنه‌ای با اشاره به آیه‌ای از قرآن کریم، چهار شاخص «نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر» را به عنوان «ترجمان و شاخص‌های شکل‌دهنده هندسه نظام اسلامی» برشمردند و افزودند: خداوند متعال وعده داده است، هر ملتی را که دارای این شاخص‌ها باشد، نصرت دهد و از زیر سلطه قدرتمندان جائر خارج کند. ایشان تاکید کردند: هر یک از این شاخص‌ها دارای جنبه‌های فردی و همچنین اجتماعی هستند که در نظام‌سازی اسلامی، نقش موثری دارند. [۴۰]

مرحله سوم دولت اسلامی

سومین مرحله در تحقق تمدن نوین اسلامی ایجاد دولت اسلامی است.

معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظامهای

بین‌المللی و نظام سلطه‌ی امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیکتر کنیم. این شعار، بسیار باارزش است. [۴۱]

مقام معظم رهبری دولت اسلامی را، مجموعه‌ای از همه‌ی کارگزاران کشور دانسته و آن را منحصر در قوه‌ی مجریه نمی‌دانند.

«منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیادهای اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده دارند، بلکه همه کارگزاران نظام اسلامی را شامل می‌شود. [۴۲]

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی که با همت و هوشیاری امام راحل و مردم صورت گرفت، تشکیل دولت اسلامی بعنوان زمینه ساز شکل‌گیری کشور اسلامی، همواره مورد نظر مسوولان نظام بوده است و گامهایی در این راه برداشته شده است. ایشان تحقق دولت اسلامی را امری محتوایی و منوط به انطباق جهت‌گیری و عمل کارگزاران نظام با مبانی اسلام و اهداف انقلاب برمی‌شمارند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در همین زمینه، عملکرد کارگزاران را در رفتار و زندگی مردم، کاملاً تأثیرگذار دانسته و می‌افزاید: «اگر مسوولان و مدیران کشور نتوانند در رفتار و گفتار به نصاب لازم و در خور شأن جمهوری اسلامی برسند نباید مردم را ملامت کنند چرا که اگر کارگزاران نظام، حقیقتاً اسلامی شدند رفتار مردم هم، بالطبع اسلامی می‌شود و کشور نیز اسلامی خواهد شد» [۴۳]

مقام معظم رهبری با بیان اینکه دولت یعنی مسوولان قوه‌ی مجریه، قوه‌ی قضاییه، قوه‌ی مقننه، که مجموع اینها دولت اسلامی است - سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی را دارند؛ اما بر این باورند که مسوولان و کارگزاران نظام باید بیشتر به سمت اسلامی شدن و مؤمنانه زندگی کردن بروند و روح زندگی علوی - یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا - را در خود زنده کنند. [۴۴]

از نگاه مقام معظم رهبری تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از همان روز اول شروع شد؛ منتها افت و خیز و پیشرفت و عقبگرد داشته است؛ در جاهایی موفق و در برهه‌ای ناموفق بوده است.

ایشان همچنین معتقدند اینکه اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ و الاً قبل از ما چند دولت جمهوری اسلامی دیگر در منطقه‌ی ما و آفریقا و جاهای دیگر وجود داشته و الان هم هست. بنابراین اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهتگیری ما اسلامی باشد. اگر در اینها اختلال پیدا شد، حرکت مستمر و مداوم و پوینده‌ی بی‌که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل شکل بگیرد، دچار مکث می‌شود و طبعاً کار عقب می‌افتد. البته دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد. [۴۵]

وظایف دولت اسلامی

دولت اسلامی جایگاه اجرایی و مدیریتی در تحقق تمدن اسلامی دارد. از منظر مقام معظم رهبری وقتی کشور اسلامی شکل

می‌گیرد که دولت و دولتمردان آن اسلامی شوند. بر این اساس ایشان وظایفی را برای دولت اسلامی بر می‌شمرند که در این جا به بخشی از این وظایف اشاره می‌شود:

مقام معظم رهبری گسترش علم و دانایی و آزاد اندیشی را از وظایف دولت اسلامی برشمرده و در تبیین مفهوم آزاداندیشی می‌افزایند: «باید فضایی فراهم شود که انسانها واقعاً آزادانه فکر کنند تا آزادی بیان هم محقق شود زیرا آزادی بیان تابعی از آزادی فکر است و اگر فضای آزاداندیشی و آزادفکری وجود نداشته باشد آزادی بیان هم عملاً وجود نخواهد داشت.. ایشان همچنین مبارزه با فساد، تأمین عزت ملی و به تعبیر رایج غرور ملی و مبارزه ی عاقلانه، حرفه‌ای و شجاعانه با ابعاد مختلف نظام سلطه جهانی را از دیگر وظایف دولت می‌دانند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی خدمت رسانی محسوس به مردم، تحول در شیوه‌های خدمت رسانی و پاسخگویی را نیز از وظایف دولت دانسته و معتقدند همه اعضای هیأت دولت و مسولان و مدیران وزاتخانه ها، باید هم در برابر خطاهایی که انجام می‌شود و هم در برابر کارهای لازمی که انجام نمی‌شود پاسخگو باشند. رهبر معظم انقلاب اسلامی کار متوازن و هماهنگ و ساده زیستی را بسیار مهم برشمرده و همواره دولت را به پیگیری، استقامت در راه و تقویت ارتباط مستمر با خداوند توصیه می‌کنند. [۴۶]

مرحله چهارم جامعه اسلامی

بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه‌ی اسلامی یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمانهای اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنا ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و میرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفتهای همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، رکود و توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهم میانه‌ی ما.

مقام معظم رهبری در توضیح مفهوم «هدف میانه» می‌افزایند که: «مهمترین مسئولیت این جامعه این است که انسانها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضائی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند؛ که: «ما خلقت الجنّ و الانس الّا ليعبدون»؛ بنابراین هدف نهائی، همان عبودیت است؛ و هدف قبل از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است، که هدف بسیار بزرگ و بسیار والاتی است. خب، وقتی یک چنین جامعه‌ای به وجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم به وجود خواهد آمد. [۴۷]

مرحله پنجم تمدن اسلامی

آیت الله خامنه‌ای، مبنای تمدن اسلامی را در راستای مقیاس جهانی انقلاب اسلامی تحلیل می‌نمایند. «برای این ملت، قضیه‌ی

بنای یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید یک قضیه جدی است. آن را جدی بگیرید. یک وقت در کشوری، یکی کودتا می‌کند و نظامی بر سر کار می‌آید آن نظام چند صباحی هست بعد هم می‌رود یا یکی دیگر از او تحویل می‌گیرد و همه چیز به حال اول بر می‌گردد. اما آنچه در ایران اتفاق افتاد مسئله‌ی یک حرکت عظیم در مقیاس جهانی است.» [۴۸]

البته نتیجه‌ی این حرکت را جهان‌گشایی و تصرف ممالک دیگر ندانسته، که تجربه‌ی جمهوری اسلامی در چند ساله‌ی گذشته این را نشان می‌دهد. این خصلت ناشی از پیام جهانی است که در بطن انقلاب وجود دارد. [۴۹]

مقام معظم رهبری در سخنان و دیدگاه‌های خود مفهوم «حیات طیبه» را نتیجه‌ی احیای تمدن اسلامی می‌داند و بیان می‌کند که: «حیات طیبه معنایش این نیست که کسانی فقط نماز بخوانند، عبادت کنند و اصلاً به فکر زندگی و مادیات نباشند، نه، حیات طیبه، یعنی آن ملتی که تلاش می‌کند، سازندگی می‌کند، صنعت و بازرگانی و کشاورزی را به اوج می‌رساند. قدرت علمی و تکنیکی پیدا می‌کند. پیشرفتهای گوناگون در همه جهت به دست می‌آورد اما در همه‌ی این حالات، دل او هم با خداست و روز به روز هم با خدا آشنا تر می‌شود. این هدف نظام اسلامی است.» [۵۰]

نتیجه‌گیری

بررسی دیدگاه‌های مقام معظم رهبری در خصوص مفهوم تمدن اسلامی نشان می‌دهد که ایشان در یک نظام فکری مشخص و بر اساس تعالیم انبیاء و اولیای الهی هدف انقلاب و نظام اسلامی را تحقق تمدن نوین اسلامی در جهان می‌دانند و برای دستیابی به این هدف جهت‌گیری و مسیر مشخصی را در نظر دارند.

بررسی مجموع بیانات ایشان در حوزه‌ی مورد مطالعه بیانگر این است که ایشان تعریف مشخص و روشنی از مفهوم تمدن اسلامی و همچنین مسیر دستیابی به آن دارند و تمدن اسلامی را متشکل از دو بخش ابزاری و متنی و حقیقی یا به عبارتی همان سبک زندگی می‌دانند و معتقدند که برای تحقق تمدن نوین اسلامی مهمتر از پیشرفت در بخش ابزاری یعنی پیشرفت در علوم، فناوری و اقتصاد... باید شیوه و سبک زندگی مردم در جامعه بر اساس اصول و آموزه‌های اسلامی باشد. پیشرفت در علم و صنعت و اقتصاد و سیاست که بُعد ابزاری تمدن اسلامی را شکل می‌دهد وسیله‌ای است برای دستیابی به سبک و فرهنگ صحیح زندگی و رسیدن به آرامش، امنیت، تعالی و پیشرفت حقیقی.

فرآیند و زنجیره‌ی دستیابی به این هدف متعالی را نیز در طی مسیر و مراحل می‌دانند که به طور خلاصه شامل انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، ایجاد دولت اسلامی، جامعه‌ی اسلامی و بالاخره برپایی تمدن نوین اسلامی می‌باشد. ایشان معتقدند در شرایط فعلی جمهوری اسلامی، مراحل انقلاب و تشکیل نظام اسلامی را پشت سر گذاشته و در مرحله تشکیل دولت اسلامی است دولتی که اعم از همه‌ی قوا و نیروهای اجرایی کشور است و نه فقط مختص به دولت به معنای خاص آن.

همانطور که از مطالعه و بررسی سخنان و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری نیز مشخص می‌شود تحقق این هدف و برپایی تمدن نوین اسلامی نیازمند فراهم شدن زمینه‌هایی در مردم و مسئولان می‌باشد تا ابتدا آگاهی و بصیرت لازم در خصوص ضرورت دستیابی به این هدف پیدا کنند و سپس وظایف و مسؤولیتهای خود را در جهت تحقق آن به درستی انجام دهند.

مقام معظم رهبری تأکید دارند که: «تمدن اسلامی یعنی تمدنی که در آن، علم همراه با اخلاق است؛ پرداختن به مادیات،

همراه با معنویت و دین است؛ و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است - یک حرکت تدریجی است. البته پُرهیجان است؛ اما هر کس بداند چه کار می کند. هر قدمی که برمی دارد، برای او هیجان انگیز است؛ اما این کار عظیم و ماندگار تاریخی، این کاری که سر و کارش با نسلها و قرنهاست، این را نباید با کارهای دفعی، جزئی و شعاری اشتباه کرد. این کاری است که باید گام به گام، هر گامی محکمتر از گام قبل، با نگاه دقیق نسبت به هر قدمی که برمی داریم و با دید نافذ نسبت به مسیری که طی می کنیم، همراه باشد.»

این بیانات در کنار دیگر تاکیدات امام خمینی و مقام معظم رهبری، اهمیت دستیابی به هدف تحقق تمدن نوین اسلامی را نشان می دهد و ضرورت توجه بیش از پیش به پیشرفت و توسعه در ابعاد و عرصه های مختلف را اثبات می کند. حالا این وظیفه مسئولان کشور در ادوار مختلف است که باید به هر برنامه و سیاستی از دریچه این نگاه یعنی دریچه ای به سوی شکل گیری تمدن اسلامی بنگرند.

منابع

۱. نجفی، موسی (۱۳۸۸) از گفتگوی تمدن ها تا منازعه ایده ها، هفته نامه پنجره، شماره ۲۶.
۲. اسلامی فرد، زهرا، (۱۳۸۹) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام، دفتر نشر معارف، قم.
۳. خاکرند، شکرالله، (۱۳۹۰) سیر تمدن اسلامی، بوستان کتاب، قم.
۴. اسلامی فرد، زهرا، (۱۳۸۹) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام، دفتر نشر معارف، قم.
۵. کاشفی، محمد رضا، (۱۳۸۴) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم.
۶. خاکرند، شکرالله، (۱۳۹۰) سیر تمدن اسلامی، بوستان کتاب، قم.
۷. خاکرند، شکرالله، (۱۳۹۰) سیر تمدن اسلامی، بوستان کتاب، قم.
۸. کاشفی، محمد رضا، (۱۳۸۴) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم.
۹. ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۳) پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، جلد اول، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، قم.
۱۰. اسلامی فرد، زهرا، (۱۳۸۹) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام، دفتر نشر معارف، قم.
۱۱. اسلامی فرد، زهرا، (۱۳۸۹) تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام، دفتر نشر معارف، قم.
۱۲. صحیفه ی امام خمینی، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی.
۱۳. یوسفی، بتول (۱۳۹۱) پژوهشی پیرامون مبانی نظری بیداری اسلامی، نشر نهضت نرم افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.
۱۴. صالحی، لیلیا و بهزاد، رقیه (۱۳۹۱) امام خمینی (ره) و احیای اندیشه و تمدن اسلامی، معاونت پژوهش و تحقیق حوزه علمیه ثامن الحجج (ع)
۱۵. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری <http://www.leader.ir>، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳
۱۶. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳
۱۷. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳
۱۸. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳
۱۹. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱
۲۰. بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۷۶/۲/۶
۲۱. بیانات در دیدار ایثارگران، ۱۳۷۶/۵/۲۹

۲۲. بیانات در دیدار پرستاران، ۱۳۷۶/۶/۱۹
۲۳. پیام اجلاس سازمان کنفرانس اسلامی، ۱۳۷۶/۹/۲۱
۲۴. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۸/۸/۱۵
۲۵. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۸/۸/۱۵
۲۶. بیانات در دیدار با اقتصاددانان، ۱۳۸۳/۶/۲۵
۲۷. بیانات در دیدار با جوانان نخبه و دانشجویان، ۱۳۸۳/۷/۵
۲۸. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ی تهران، ۱۳۸۴/۵/۲۸
۲۹. پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمی، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶
۳۰. بیانات در دیدار با دانشگاهیان استان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴
۳۱. بیانات در دیدار کارگذاران نظام، ۱۳۸۰/۹/۲۱
۳۲. بیانات در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۶۲/۱۱/۱۲
۳۳. بیانات در دیدار با دانشگاهیان استان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴
۳۴. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵
۳۵. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵
۳۶. بیانات در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، ۶۲/۱۱/۱۲
۳۷. بیانات در دیدار با دانشگاهیان استان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴
۳۸. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، ۱۳۸۴/۶/۸
۳۹. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، ۱۳۸۴/۶/۸
۴۰. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی ۱، ۱۳۹۴/۱/۱
۴۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، ۱۳۸۴/۶/۸
۴۲. بیانات در دیدار با دانشگاهیان استان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴
۴۳. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، ۱۳۸۴/۶/۸
۴۴. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسؤولان نظام، ۸۳/۸/۶
۴۵. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، ۱۳۸۴/۶/۸
۴۶. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت وزیران، ۱۳۸۴/۶/۸
۴۷. بیانات در دیدار با دانشگاهیان استان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۷/۲۴
۴۸. بیانات در روز ملی مبارزه با استکبار، ۷۳/۸/۱۱
۴۹. یوسفی، بتول (۱۳۹۱) پژوهشی پیرامون مبانی نظری بیداری اسلامی، نشر نهضت نرم‌افزاری وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.
۵۰. بیانات در اجتماع زائران امام رضا (ع)، ۱۳۷۰/۱/۲۹
۵۱. شریعتی، علی (۱۳۷۵) تاریخ تمدن، ج ۱، نشر قلم، تهران.
۵۲. عالمی، علیرضا (۱۳۸۹) آسیب‌شناسی تمدن اسلامی، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی
۵۳. جعفری، اسمیر، (۱۳۹۰) تمدن اسلام و غرب، مجله آموزش معارف اسلامی، دوره ی ۲۳، شماره ۴، ۱۳۹۰.